



در کلام رهبر

برچیده شود. در این محیط، محور و مرکز هر حرکتی خدا است و طواف و سعی و رمی و وقوف و دیگر شعائرالله حج، هر یک به نحوی نمایش انجذاب به «الله» و طرد و نفی و برائت از «اندادالله» است. این است آن «ملت حنیف ابراهیم علیه السلام»، بت شکن

حج، مظهر توحید و کعبه، خانه توحید است. اینکه در آیات کریمه مربوط به حج بارها از ذکرالله سخن رفته نشانه آن است که در این خانه و به برکت آن باید هر عامل غیر خدا از صحنه ذهن و عمل مسلمین زدوده شود و بساط انواع شرک از زندگی آنان

بزرگ و منادی توحید بر فراز قله تاریخ.
 شرک همواره به یک گونه نیست و بت
 همیشه به شکل هیاکل چوب و سنگ و فلز
 ظاهر نمی شود. خانه خدا و حج باید در همه
 زمانها شرک را در لباس خاص آن زمان، و
 بت شریک خدا را با جلوه مخصوص آن
 بشناساند و نفی و طرد کند. امروز البته از لات
 و منات و عزری خبری نیست اما به جای آن و
 خطرناکتر از آن بتهای زر و زور استکبار و
 نظامهای جاهلی و استکباری است که همه
 فضای زندگی مسلمین را در کشورهای
 اسلامی فراگرفته است. بتی که بسیاری از
 مردم جهان و از جمله بسیاری از مسلمین
 امروز به جبر و تحمیل، به عبادت و اطاعت
 از آن وادار می شوند، بت قدرت آمریکا است
 که همه شئون فرهنگی و سیاسی و اقتصادی
 مسلمین را در قبضه گرفته و ملتها را خواه و
 ناخواه در جهت منافع و اغراض خود که نقطه
 مقابل مصالح مسلمین است، حرکت می دهد.
 عبادت، همین اطاعت بیچون و چرا
 است که امروز در برابر خواست استکبار و در
 رأس آن آمریکا بر ملتها تحمیل می شود و
 آنان با شیوه های گوناگون به سمت آن سوق
 داده می شوند.
 فرهنگ فساد و فحشاء که به وسیله

دستهای استعماری در میان ملتها ترویج
 می شود، فرهنگ مصرف زدگی که روز به روز
 زندگی ملتهای ما را بیشتر در لجنزار خود فرو
 می برد تا کمپانیهای غربی که مغز و قلب
 اردوگاه استکبارند بیشتر سود ببرند، سلطه
 سیاسی غرب استکباری که پایه های آن به
 وسیله حکومتهای دست نشاندۀ و ضد مردمی
 کار گذاشته شده است، حضور نظامی که با هر
 بهانه ای شکل آشکارتری به خود می گیرد،
 اینها و امثال آن همه مظاهر همان شرک و
 بت پرستی است که در ضدیت کامل با نظام
 توحیدی و حیات توحیدی است که اسلام
 برای مسلمانان مقرر داشته است. حج و
 اجتماع عظیم برگرد خانه توحید باید آن
 مظاهر شرک را نفی کند و مسلمانان را از آن
 برحذر دارد. حج با این مفهوم روشن و جلی
 است که برترین جایگاه برائت از مشرکین
 شناخته شده و خدای متعال از زبان خود و
 نبی مکرمش صلی الله علیه و آله اعلام برائت از
 مشرکین را به روز حج اکبر موکول ساخته
 است:

«و اذان من الله و رسوله الی الناس یوم الحج
 الاکبر ان الله بیری من المشرکین و رسوله فان تبتم
 فهو خیر لکم و ان تولیتم فاعلموا انکم غیر
 معجزی الله و بشران الذین کفروا بعذاب الیم».

فریاد برائت که امروز مسلمان در حج سر می‌دهد، فریاد برائت از استکبار و ایادی آن است که مع‌الاسف در کشورهای اسلامی قدرتمندانه اعمال نفوذ می‌کنند و با تحمیل فرهنگ و سیاست و نظام زندگی شرک آلود بر جوامع اسلامی، پایه‌های توحید عملی را در زندگی مسلمانان منهدم ساخته و آنان را دچار عبادت غیر خدا کرده‌اند و توحید آنان فقط لقلقهٔ زبان و نام توحید است و از معنای توحید در زندگی آنان اثری باقی نمانده است.

حج همچنین مظهر وحدت و اتحاد مسلمانان است. اینکه خداوند تعالی همهٔ مسلمانان و هر که از ایشان را که بتواند، به نقطه‌ای خاص و در زمانی خاص فرا می‌خواند و در اعمال و حرکاتی که مظهر همزیستی و نظم و هماهنگی است آنان را روزها و شبهای در کنار یکدیگر مجتمع می‌سازد، نخستین اثر نمایانش تزیین احساس وحدت و جماعت در یکایک آنان و نشان دادن شکوه و شوکت اجتماع مسلمین به آنان و سیراب کردن ذهن هر یک تن آنان از احساس عظمت است. با احساس این عظمت است که مسلمان اگر تنها در شکاف کوهی هم زندگی کند خود را تنها حس

نمی‌کند. با احساس این حقیقت است که مسلمین در هر یک از کشورهای اسلامی شجاعت برخورد با اردوگاه ضدیت با اسلام یعنی همین سلطهٔ سیاسی - اقتصادی دنیای سرمایه‌سالاری و عوامل و ایادی آن و نیرنگ و فتنه‌گری آن را می‌یابد و افسون تحقیر که اولین سلاح استعمارگران غربی در برابر ملل مورد تهاجمشان بوده و هست، در او نمی‌گیرد. با احساس این عظمت است که دولتهای مسلمان با تکیه به مردم خود، از تکیه به قدرتهای بیگانه خود را بی‌نیاز حس می‌کنند و این فاصلهٔ مصیبت‌بار میان ملت‌های مسلمان با دستگاه‌های حاکم بر آنان پدید نمی‌آید. با احساس این وحدت و جماعت است که نیرنگ استعماری دیروز و امروز یعنی احیای احساسات افراط‌آمیز ملی‌گرایی، این فاصلهٔ وسیع و عمیق میان ملت‌های مسلمان را پدید نمی‌آورد و قومیت عربی و فارسی و ترکی و افریقایی و آسیایی، به جای آنکه رقیب و معارض هویت واحدهٔ اسلامی آنها باشد، بخشی از آن و حاکی از سعهٔ وجودی آن می‌گردد و به جای آنکه هر قومیتی وسیله و بهانهٔ نفی و تحقیر قومیت‌های دیگر شود، وسیله‌ای برای نقل و انتقال خصوصیات مثبت تاریخی و نژادی و

جغرافیایی هر قوم به سایر اقوام اسلامی می‌گردد.

حج با مشاهد و مناسک و شعائر خود باید این روح وحدت و ملائمت و جماعت و عظمت را در مسلمانان همه اقطار عالم زنده کند و از شعوب و قبایل مختلفه امت واحده پدید آورد و آن امت واحده را به وادی امن عبودیت مطلق خداوند هدایت نماید و مقدمات تحقق گفته خدای بزرگ را که: «ان هذه امتکم امة واحدة و اناریکم فاعبدون» فراهم آورد.

تشکیل امت واحده‌ای که ناصیه عبودیت بر درگاه ربوبیت و وحدانیت می‌ساید همان آرزوی بزرگ اسلام است و همان است که در سایه آن نیل به همه کمالات فردی و جمعی مسلمین میسر می‌گردد و همان هدفی است که جهاد اسلامی برای تحقق آن تشریح شده و هر یک از عبادات و فرایض اسلامی، بخشی از آن را زمینه‌سازی و تأمین می‌کند. حج ابراهیمی و محمدی صلی الله علیهما و آلهما بی‌گمان یکی از بزرگترین مقدمات و ارکان این هدف بزرگ است. بدین جهت در این عرصه عظیم، در همان حال، که ذکر خدا: «فاذا کرموا الله کذکرکم آبائکم او اشد ذکرا» و اعلام برائت از مشرکان «و اذان من الله و

رسوله الی الناس یوم الحج الاکبر ان الله بری من المشرکین و رسوله» رکن حج محسوب می‌شود، حساسیت در برابر هر حرکتی که میان برادران - یعنی اجزاء این امت واحده - جدایی و دشمنی بیافریند نیز در حد اعلا است تا آنجا که حتی بگومگویی دو برادر مسلمان نیز که در زندگی عادی چندان مهم نمی‌نماید، در حج ممنوع و حرام است: «فلا رفت ولا فسوق ولا جدال فی الحج». آری، همان صحنه که در آن برائت از مشرکان یعنی دشمنان بنیانی «امت واحده توحیدی» لازم می‌شود، جدال با برادران مسلمان یعنی اجزاء بنیانی «امت واحده توحیدی» ممنوع و حرام می‌گردد. و بدین گونه پیام «وحدت و جماعت» در حج، صراحت بیشتری می‌یابد. رازها و رمزهای حج بسی بیش از آن است که در اینجا بدان اشاره شد و تدبیر در این رازها که همه در جهت احیای شخصیت فرد و جامعه مسلمان و مبارزه با عوامل نابودی آن است افقی جدید در برابر حاجی می‌گشاید و او را به عالمی پرتلاش و پرحرکت و تمام نشدنی می‌کشد. اولین وظیفه هر یک از حجاج تأمل در این راز و رمزها و تبادل نظر و جستجوی سررشته کار از این همه است و نیز تأمل در اینکه چرا دستها و دستگاهایی

هوشمندان امت، عامه مردم را با آن آشنا ساخته، مرز میان «علمای صادق» و «دین به دنیا فروشان مزدور» را برای آنان مشخص سازند.

پروردگارا به امام و قائد راحل ما آن عبد صالح ممتحن و آن خلف صدق اولیاء، آن انسان پرهیزکار و پارسا و هوشیار که رضای تو را می جست و دوستی و دشمنی اش بخاطر تو بود و در راه تو از هیچ مشکل هراس نداشت رحمت و فضل خود را نازل و شامل فرما و از حج حاجیان و عبادت عبادتگران و کوشش تلاشگرانی که مشمول هدایت و راهبری او گشته اند نصیب وافر به روح پاک او عاید فرما و آرزوی بزرگ او را که همانا قیام «حج ابراهیمی» و بهره برداری امت اسلامی از این مراسم عظیم الهی است جامه عمل بپوشان.

از پیام حضرت آیه الله خامنه ای رهبر معظم انقلاب اسلامی

- حج ۷۰ -

سعی می کنند حج را برون از همه مفاهیم سیاسی و جمعی اش و تنها به عنوان عبادتی یک بُعدی که فقط دارای خواص فردی است مطرح نمایند و چرا روحانی نمایان دین به دنیا فروش که نام و شأن دینی آنان حکم می کند که مردم را به این اسرار آشنا و جسم و جان آنان را به سمت هدفهای آن به حرکت در آورند، به عکس، با هرگونه روشنگری در این باره مخالفت و عناد ورزیده، اصرار بر کتمان حقایق دارند و چرا بارها و بارها در بلندگوهای اعلام می شود که «سیاست در حج نباید دخالت کند!» مگر اسلام و احکام نورانی آن برای اداره و هدایت زندگی مادی و معنوی انسانها نیست؟ و مگر دیانت در اسلام با سیاست آمیخته نیست؟ این از جمله دردهای بزرگ عالم اسلام است که تحجر و کوته بینی و دنیا طلبی جمعی همواره در خدمت غرض ورزی و حسابگریهای خیانت آلود جمعی دیگر قرار گیرد و قلمها و زبانهایی که باید در خدمت اسلام و در جهت تبیین حقایق آن به کار می افتاد، ابزاری در دست دشمنان هوشیار و توطئه گر اسلام گردد. این همان مصیبتی است که امام راحل - رضوان الله علیه - بارها به تلخی از آن سخن گفته و نالیده اند و جای آن است که

